MEJDS. 2020; 10:228.

Published online 2021 March. **Research Article**

The Relationship between Adolescents' Sense of Relative Deprivation and Their Expectations of Parents

Abedinzadeh A[1], *Mohammadi A[1], Jahanbakhsh E[1]

Author Address
1. Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.
***Corresponding author's email:** Asghar.mo.de@gmail.com

Received: 2020 September 12; **Accepted:** 2020 October 27

Abstract

Background & Objectives: Cultural traditions in Iran, more than other aspects of social life, have undergone changes; accordingly, some social developments have facilitated the emergence of social groups with different viewpoints and aspirations. Social changes induced by modernization have altered the kinds of children's expectations from their parents. The family institution is in a state of crisis; not only parents are unable to meet their children's new expectations, but also there is no substitute for their children's new expectations. Such conditions also lead to family crises and the inability of parents to meet their children's expectations of them. The present world has raised the level of social awareness and public literacy, and concurrently, elevated and varied the level of children's expectations from their parents. The present study aimed to explore the relationship between adolescents' sense of relative deprivation and their expectations of their parents.

Methods: This was a cross–sectional and correlational study. The statistical population of the study included all adolescents in South Khorasan Province, Iran, aged 13–18 years (according to the 2016 family statistics, i.e., about 75561 adolescents). In this study, Krejcie and Morgan's table (1970) was used to estimate the sample size (N=384). However, to ensure the adequacy of the sample size and given the potential sample dropout, the sample size was increased to 580 subjects. The study participants were selected using a stratified sampling method. The inclusion criteria of the present study included being a student (seventh, eighth, ninth, 10th, 11th, & 12th grades) in South Khorasan Province and desire to participate in the study. The provision of incomplete questionnaires was also considered as the exclusion criterion of the study. Data collection tools were Questionnaire of Children's Expectations of Parents, the Rate of Childbearing (Naseri et al., 2016), and the Level of Relative Deprivation Questionnaire (Rastegar Khaled et al., 2014). Data analysis was performed using SPSS at descriptive and analytical levels. Descriptive statistics, including frequency and percentage, were employed for nominal and ranking variables. In analytical statistics, to compare the expectations of respondents from their parents by gender and their educational level, a t–test was implemented. Besides, the effect of the independent variable was estimated by the Pearson correlation coefficient. The significance level was set at 0.05 and the confidence level was considered 95%.

Results: The present research findings indicated that the mean±SD score of children's expectations from their parents was measured as 47.30±12.56. The mean±SD score of adolescents' expectations from parents was higher in the economic dimension (14.86±2.17) and lower in the political dimension (10.27±1.32), compared to the other dimensions. The mean±SD score of respondents' expectations from parents in social dimension (13.52±2.24) and cultural dimension (12.02±1.67) was also calculated. The mean±SD expectations of male students (63.44±17.64) from their parents were higher than those of their female counterparts (58.34±14.05). Furthermore, the expectations of the tenth, 11th, and 12th–grade students (62.09±15.47) were higher than those of the seventh, eighth, and ninth–grade students (60.27±12.03). The mean±SD score of relative deprivation among the explored subjects was equal to 17.24±1.70. There was an inverse relationship between the sense of relative deprivation and expectations from parents in the study participants (r=–0.294, p=0.001). In other words, the higher the relative deprivation among adolescents, the lower the expectations of their parents. There was a significant and inverse relationship between the degree of the study subjects' relative deprivation and all 4 dimensions of children's expectations of parents, including cultural (r=–0.285, p<0.001), economic (r=–0.321, p=0.013), political (r=–0.236, p=0.001), and social (r=–0.154, p=0.003); however, the inverse correlation of the economic dimension was greater than the other 3 dimensions.

Conclusion: Considering the inverse relationship between the sense of relative deprivation and expectations from parents in the study participants, an important approach to respond to the adolescent's expectations is to improve their economic condition and reduce their relative deprivation through socioeconomic development.

Keywords: Children's expectations from parents, Sense of relative deprivation, Adolescents.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.231.0]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۹؛ (۱۰):۲۲۸.

انتشار برخط اسفند ۱۳۹۹ مقاله پژوهشی اصیل

بررسی رابطهٔ احساس محرومیت نسبی نوجوانان با انتظارات آن‌ها از والدین

علیرضا عابدین‌زاده[۱]، *اصغر محمدی[۲]، اسماعیل جهانبخش[۲]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران؛

۲. دکتری تخصصی، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** Asghar.mo.de@gmail.com

تاریخ دریافت: ۲۲ شهریور ۱۳۹۹؛ **تاریخ پذیرش:** ۶ آبان ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: تغییرات اجتماعی ناشی‌از مدرن‌شدن باعث افزایش سطح آگاهی‌های اجتماعی و سواد عمومی شده و به‌موازات آن سطح توقعات و انتظارات فرزندان از والدین نیز به‌مراتب بیشتر و متفاوت‌تر از گذشته شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطهٔ احساس محرومیت نسبی نوجوانان استان خراسان جنوبی با انتظارات آن‌ها از والدینشان انجام شد.

روش‌بررسی: این مطالعه مقطعی و از نوع توصیفی بود. مطالعهٔ حاضر در سال ۱۳۹۸ و در میان ۵۸۰ نفر از نوجوانان استان خراسان جنوبی با دامنهٔ سنی ۱۳تا۱۸ سال و به‌روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌های انتظارات فرزندان از والدین و میزان فرزندمداری (ناصری و همکاران، ۱۳۹۵) و میزان احساس محرومیت نسبی (رستگارخالد و همکاران، ۱۳۹۳) بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخهٔ ۲۵ در دو سطح توصیفی و تحلیلی با آزمون تی و ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفت. سطح معناداری برابر با ۰/۰۵ بود.

یافته‌ها: میانگین نمرهٔ انتظارات فرزندان از والدینشان ۱۲/۵۶±۴۷/۳۰ بود. نمرهٔ انتظارات نوجوانان از والدین در بُعد اقتصادی (۲/۱۷±۱۴/۸۶) بیشتر و در بُعد سیاسی (۱/۳۲±۱۰/۲۷) کمتر از سایر ابعاد به‌دست آمد. میانگین نمرهٔ احساس محرومیت نسبی پاسخ‌گویان ۱/۷۰±۱۷/۲۴ بود. بین احساس محرومیت نسبی نوجوانان و انتظارات آن‌ها از والدین رابطهٔ معکوس وجود داشت ($p<۰/۰۰۱$، $r=-۰/۲۹۴$).

نتیجه‌گیری: باتوجه به وجود رابطهٔ معکوس بین احساس محرومیت نسبی نوجوانان و انتظارات آن‌ها از والدین، با بهبود شیوهٔ معیشتی و کاستن از احساس محرومیت نسبی ازطریق توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی می‌توان انتظارات نوجوانان این استان را متعادل کرد.

کلیدواژه‌ها: انتظارات فرزندان از والدین، احساس محرومیت نسبی، نوجوانان.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.231.0]

۱ مقدمه

تغییرات اجتماعی ناشی‌از مدرن‌شدن، نوع انتظارات فرزندان را در خانواده از والدین دچار تغییر و تحول کرده است. براساس پیش‌فرض‌ها، در گذشته انتظارات فرزندان با اهداف سنتی نهاد خانواده بیشتر منطبق بوده است و ازاین‌رو خانواده درجهت تأمین انتظارات طرفین بیشتر موفقیت داشته است؛ ولی در نسل جدید به‌دلیل افزایش فردگرایی و دنبال‌کردن امیال شخصی هریک از فرزندان خانواده، انتظارات شکل خاصی به خود گرفته است. درواقع نوعی فرزندمداری در خانواده‌ها ایجاد شده است که با گونه‌های دیگر خانوادهٔ ایرانی متفاوت است؛ همچنین فرزندان در سازوکار خانواده مشارکت بیشتری دارند و نقش مهم‌تری پیدا می‌کنند. عوض‌شدن شیوهٔ نگرش فرزندان به روابط فرزند ـ والد، پیروی‌نکردن آن‌ها از والدین را به‌دنبال داشته است (۱). امروزه به‌نوعی نهاد خانواده دستخوش بحران شده است؛ به‌نحوی‌که ازیک‌سو والدین از پاسخ‌گویی به انتظارات جدید فرزندانشان ناتوان شده‌اند و ازطرف‌دیگر جایگزینی برای انتظارات جدید فرزندان ندارند؛ ازاین‌رو به‌نظر می‌رسد، ارکان نهاد خانواده دستخوش تزلزل و تولید نارضایتی است؛ همچنین بحران خانواده را به‌دنبال دارد و موجب ناتوانی[1] والدین در برآوردن انتظارات فرزندان از آن‌ها شده است (۲).

از عوامل مرتبط با انتظارات فرزندان از والدین، می‌توان محرومیت نسبی[2] را نام برد (۳). محرومیت نسبی به‌معنای کمبودی است که شخص با مقایسهٔ شرایط اقتصادی خود با دیگران درک یا احساس می‌کند؛ این احساس نتیجهٔ اختلاف درک‌شده میان انتظارات ارزشی افراد و توانایی‌های ارزشی است (۴). براساس نظریهٔ تدگر، هرچه ارزش‌های اقتصادی و مادی در جامعه‌ای بیشتر باشد، احساس محرومیت نسبی بیشتر می‌شود (۵). ناتوانی والدین ازیک‌سو و احساس محرومیت نسبی فرزندان ازسوی‌دیگر موجب ایجاد مشکلات جدی برای فرزندان و والدین در خانواده‌ها شده است. در این بین در استان خراسان جنوبی به‌دلیل محرومیت بیشتر ازجمله امکانات آموزشی، رفاهی، تحصیلی و بافت نسبتاً سنتی آن، به‌نظر می‌رسد باید انتظارات فرزندان از والدین در حد معقول‌تری باشد؛ ولی تحول خانواده‌ها در چند دههٔ اخیر موجب شده است که خانواده‌های این استان نیز درمعرض تغییر انتظارات فرزندان قرار بگیرند. در این پژوهش منظور از انتظارات فرزندان از والدین درک انتظارات نوجوانان استان خراسان جنوبی از سوی والدینشان است که ناشی‌از تغییرات شناختی، اجتماعی و زیستی در آنان است؛ همچنین درک انتظارات نوجوانان می‌تواند در برقراری رابطه‌ای صمیمی بین والدین و نوجوانان و ایجاد تعادل در سامانهٔ خانواده مؤثر باشد (۶).

بررسی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد، تاکنون تحقیقات اندکی در زمینهٔ رابطهٔ احساس محرومیت نسبی فرزندان و انتظارات آن‌ها از والدین انجام شده است. مطابق نتایج تحقیق دانش و همکاران، گرایش نوجوانان و جوانان به ارزش‌های مدرن و احساس بحران هویت ناشی‌از جاافتادگی آن‌ها از نسل‌های پیشین به‌مرور افزایش یافته است (۷). در پژوهش ناصری و همکاران با بررسی جامعه‌شناختی گونه‌شناسی خانواده و فرزندمداری در شهر تهران مشخص شد که بین متغیرهای جنسیت، قدرت، میزان محرومیت نسبی و فرزندمداری رابطه وجود دارد (۸). همچنین در تحقیق حسینی امین و همکاران اکثر شهروندان تهرانی پاسخگوی پژوهش (۷۲/۱ درصد) دارای احساس محرومیت نسبی متوسط بودند (۹). در پژوهش قدیمی و قاسمی، درک و تصور پاسخ‌گویان از احساس محرومیت نسبی، در حد متوسط رو به بیشتر قرار داشت (۱۰). همچنین نتایج پژوهش برومند و ظریفی نشان داد، میانگین احساس محرومیت دبیران آموزش‌وپرورش شهرستان بستان‌آباد ۷۲/۳درصد است (۱۱). در تحقیق رستگارخالد و همکاران با بررسی ارتباط احساس محرومیت نسبی با همبستگی اجتماعی بین جوانان شهر تهران، محرومیت نسبی در ایجاد و شکل‌دهی رفتارهای جمعی در میان نوجوانان مؤثر بود (۱۲).

جدیدبودن موضوع تحقیق از حیث شناسایی رابطه بین احساس محرومیت نسبی فرزندان با انتظارات آن‌ها از والدینشان، آسیب‌های اجتماعی ناشی‌از نبود توجه و مطالعهٔ احساس محرومیت نسبی و تغییر شیوهٔ نگرش فرزندان به روابط فرزند ـ والد، اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع را در استان خراسان جنوبی باتوجه به بافت نسبتاً سنتی و محرومیت بیشتر آن درمقایسه با سایر استان‌ها بیان می‌کند. عوامل زیادی بر انتظارات فرزندان از والدین می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ ولی هدف این پژوهش بررسی رابطهٔ بین احساس محرومیت نسبی فرزندان با انتظارات آن‌ها از والدین بود.

۲ روش‌بررسی

پژوهش حاضر، مطالعه‌ای مقطعی از نوع همبستگی بود. جامعهٔ آماری را در این تحقیق تمامی نوجوانان استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۸ با دامنهٔ سنی ۱۳تا۱۸ سال تشکیل دادند که برابر سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۷۵۵۶۱ نفر نوجوان بودند (۱۳). روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم جمعیت نوجوان ۱۳تا۱۸ سال هریک از شهرهای استان (جدول ۱) بود که در مرحلهٔ نهایی افراد به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. در این تحقیق برای برآورد حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان استفاده شد و حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد (۱۴)؛ اما برای اطمینان از حجم نمونه و به‌منظور جلوگیری از ریزش و تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها، حجم نمونه به ۵۸۰ نفر افزایش یافت.

معیارهای ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش حاضر شامل دانش‌آموزبودن در استان خراسان جنوبی در دورهٔ اول مقطع متوسطه (پایه‌های هفتم، هشتم، نهم) و دورهٔ دوم مقطع متوسطه (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم) بود که با مراجعه به مدارس مقاطع متوسطهٔ اول و دوم این امر محقق شد و داشتن تمایل برای شرکت در مطالعه بود که قبل از تکمیل پرسشنامه تمایل‌شان بررسی شد و به آن‌ها گفته شد که همکاری در پژوهش اجباری نیست و در صورت تمایل به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند. همچنین تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها به‌عنوان معیار خروج در نظر گرفته شد. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها این ابزارها به‌کار رفت.

[1]. Disability

[2]. Relative deprivation

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.231.0]

جدول ۱. نمونهٔ آماری پژوهش

ردیف	نام شهرستان	جمعیت ۱۳تا۱۸ساله	درصد	تعداد نمونه
۱	بیرجند	۲۴۳۹۵	۰/۴۴	۲۵۳
۲	طبس	۵۸۳۹	۰/۱۰	۶۱
۳	قاینات	۱۱۶۳۳	۰/۲۱	۱۲۱
۴	فردوس	۴۱۴۴	۰/۰۷	۴۳
۵	نهبندان	۵۵۵۳	۰/۱۰	۵۸
۶	سربیشه	۴۲۸۶	۰/۰۸	۴۴
	جمع		۱۰۰	۵۸۰

منبع: سایت معاونت آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی، نتایج سرشماری ۱۳۹۵ (۱۳)

ـ پرسشنامهٔ انتظارات فرزندان از والدین و فرزندمداری: برای بررسی انتظارات فرزندان از والدین و میزان فرزندمداری از پرسشنامهٔ پانزده‌سؤالی انتظارات فرزندان از والدین تهیه‌شده توسط ناصری و همکاران در سال ۱۳۹۵ استفاده شد (۸). در این پرسشنامه گویه‌ها براساس مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم) از ۱تا۵ نمره داده می‌شود. در این پرسشنامه ابعاد چهارگانهٔ انتظارات فرزندان از والدین عبارت است از: ۱. فرهنگی (چهار گویه)؛ ۲. اقتصادی (چهار گویه)؛ ۳. سیاسی (چهار گویه)؛ ۴. اجتماعی (سه گویه). برای محاسبهٔ شاخص انتظارات فرزندان از والدین، ابتدا متغیرها به متغیر فاصله‌ای تبدیل می‌شود؛ به این معنا که برای گویه‌ها از ۱تا۵ نمره تعلق می‌گیرد و درمجموع نمره‌ها باهم جمع می‌شود و شاخص انتظارات فرزندان از والدین محاسبه می‌شود؛ بنابراین دامنهٔ نمرات کل پرسشنامه بین ۱۵تا۷۵ قرار دارد. افزایش نمره به‌معنای افزایش انتظارات فرزندان از والدینشان است. به‌عبارت‌دیگر، در تمام ابعاد امتیاز بیشتر بیانگر انتظارات زیاد و امتیاز کمتر بیانگر سطح انتظارات کم است (۸). میزان پایایی این پرسشنامه در پژوهش ناصری و همکاران ۰/۸۱ (۸) و در تحقیق حاضر ۰/۷۲ بود.

ـ پرسشنامهٔ میزان احساس محرومیت نسبی: برای ارزیابی میزان احساس محرومیت نسبی با اقتباس از نظریهٔ تد رابرت گر[1] (۵) و از پرسشنامهٔ چهار گویه‌ای بومی‌شدهٔ رستگارخالد و همکاران تهیه‌شده در سال ۱۳۹۳ (۱۲) استفاده شد. برای محاسبهٔ شاخص میزان احساس محرومیت نسبی چهار گویهٔ پنج‌گزینه‌ای لیکرت (۱=کاملاً مخالف تا ۵=کاملاً موافق) به‌کار می‌رود که پس از تجمیع نمره‌ها این شاخص به‌دست می‌آید؛ بنابراین حداقل نمره ۴ و حداکثر آن ۲۰ است و افزایش نمره به‌معنای بیشترشدن میزان احساس محرومیت نسبی نوجوانان است (۱۲). رستگار خالد و همکاران ضریب آلفای کرونباخ احساس محرومیت نسبی را ۰/۷۸ به‌دست آوردند (۱۲).

گردآوری داده‌ها در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه به این صورت انجام گرفت که شش نفر از پرسشگران آموزش‌دیده در جلسهٔ توجیهی شرکت کردند. سپس دستورالعمل و راهنمای نحوهٔ تکمیل پرسشنامه در اختیار آنان قرار گرفت؛ همان‌طورکه ذکر شد، جامعهٔ آماری در این تحقیق شامل تمامی نوجوانان استان خراسان جنوبی با دامنهٔ سنی ۱۳تا۱۸ سال بود. ازآنجاکه اکثریت نوجوانان در این گروه سنی دانش‌آموز هستند، به‌منظور سهولت دسترسی به نوجوانان و تکمیل پرسشنامه‌ها، به دانش‌آموزان دورهٔ اول مقطع متوسطه (پایه‌های هفتم، هشتم، نهم) و دورهٔ دوم مقطع متوسطه (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم) شش شهر استان خراسان جنوبی به‌عنوان جمعیت آماری مراجعه شد. براساس روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم (جمعیت دانش‌آموزی)، در بیرجند به چهار مدرسه، در قاینات به سه مدرسه، در هریک از شهرهای طبس و نهبندان به دو مدرسه و در هریک از شهرهای فردوس و سربیشه به یک‌مدرسه در مقطع متوسطه مراجعه شد (درمجموع سیزده مدرسه). انتخاب مدارس به‌شیوهٔ تصادفی بود و براساس فهرست دریافتی از ادارات آموزش‌وپرورش شهرهای مذکور انجام پذیرفت. در مدارس با همکاری مدیران و معلمان به‌شیوهٔ تصادفی ساده دانش‌آموزان پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. در انجام پژوهش سعی شد ملاحظات اخلاقی لازم ازقبیل محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات، کسب رضایت آگاهانه و نبود تحمیل هرگونه آسیب جسمی و روحی به نوجوانان رعایت شود.

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخهٔ ۲۵ در دو سطح توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفت. آمار توصیفی شامل فراوانی و درصد برای متغیرهای اسمی و رتبه‌ای به‌دست آمد. در آمار تحلیلی، برای بررسی همسانی توزیع متغیرهای مطالعه‌شده با توزیع نظری نرمال از آزمون آماری کولموگروف‌اسمیرنف[2] و برای مقایسهٔ میزان انتظارات پاسخ‌گویان از والدینشان برحسب جنسیت و مقطع تحصیلی آن‌ها از آزمون تی و برای تأثیر متغیر مستقل بر وابسته از ضریب همبستگی پیرسون بهره گرفته شد. سطح معناداری ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۹۵درصد بود.

۳ یافته‌ها

در این پژوهش درمجموع، از ۵۸۰ دانش‌آموز ۱۳تا۱۸سالهٔ (نوجوان) مطالعه‌شده، ۲۹۰ نفر (۵۰درصد) را پسران و ۲۹۰ نفر (۵۰درصد) را دختران تشکیل دادند. همچنین ۲۹۰ نفر از پاسخ‌گویان (۵۰درصد) در پایه‌های هفتم، هشتم و نهم و ۲۹۰ نفر (۵۰درصد) در پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم مشغول به تحصیل بودند. محل سکونت ۴۳۵ نفر (۷۵درصد) از دانش‌آموزان شهر و ۱۴۵ نفر (۲۵درصد) روستا بود. از

[1]. Ted Robert Gurr

[2]. One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.231.0]

نظر سطح تحصیلات پدر، ۶درصد (۳۵ نفر) بی‌سواد، ۳/۳درصد (۱۹ نفر) با تحصیلات ابتدایی، ۲۳/۸درصد (۱۳۸ نفر) دارای تحصیلات راهنمایی و دبیرستان و ۲۱/۹درصد (۱۲۷ نفر) با تحصیلات دیپلم بودند. همچنین ۳۴/۱درصد (۱۹۸ نفر) تحصیلات فوق‌دیپلم و ۱۰/۹درصد (۶۳ نفر) تحصیلات لیسانس و بیشتر داشتند. با بررسی سطح تحصیلات مادران دانش‌آموزان پاسخ‌گوی این پژوهش، ۳۱/۹درصد (۱۸۵ نفر) بی‌سواد، ۳۸/۸درصد (۲۲۵ نفر) با تحصیلات ابتدایی، ۸/۶درصد (۵۰ نفر) دارای تحصیلات راهنمایی و دبیرستان و ۱۵/۹درصد (۹۲ نفر) با تحصیلات دیپلم بودند. همچنین ۰/۲درصد (۱ نفر) تحصیلات فوق‌دیپلم و ۴/۶درصد (۲۷ نفر) تحصیلات لیسانس و بیشتر داشتند.

جدول ۲. بررسی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی ابعاد انتظارات فرزندان از والدین

ابعاد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
فرهنگی	۴	۲۰	۱۲/۰۲	۱/۶۷
اقتصادی	۴	۲۰	۱۴/۸۶	۲/۱۷
سیاسی	۴	۲۰	۱۰/۲۷	۱/۳۲
اجتماعی	۳	۱۵	۱۳/۵۲	۲/۲۴
نمرهٔ انتظارات فرزندان از والدین	۱۵	۷۵	۴۷/۳۰	۱۲/۵۶

مطابق جدول ۲، میانگین نمرهٔ انتظارات فرزندان از والدینشان ۱۲/۵۶±۴۷/۳۰ بود. نمرهٔ انتظارات نوجوانان از والدین در بُعد اقتصادی (۲/۱۷±۱۴/۸۶) بیشتر از سایر ابعاد و در بُعد سیاسی (۱/۳۲±۱۰/۲۷) کمتر از سایر ابعاد به‌دست آمد. میانگین نمرهٔ انتظارات پاسخ‌گویان از والدین در بُعد اجتماعی ۲/۲۴±۱۳/۵۲ و در بُعد فرهنگی ۱/۶۷±۱۲/۰۲ بود.

جدول ۳. نتایج آزمون کولموگروف‌اسمیرنف برای بررسی نرمال‌بودن داده‌های متغیر انتظارات فرزندان از والدین به‌تفکیک جنسیت و مقطع تحصیلی پاسخ‌گویان

انتظارات فرزندان از والدین		آماره	مقدار احتمال
جنسیت	دختر	۱/۲۱۵	۰/۱۰۴
	پسر	۱/۳۲۹	۰/۰۵۸
مقطع تحصیلی	دورهٔ اول مقطع متوسطه (پایه‌های هفتم، هشتم و نهم)	۱/۱۳۴	۰/۱۵۲
	دورهٔ دوم مقطع متوسطه (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم)	۱/۱۶۹	۰/۱۳۰

از آزمون کولموگروف‌اسمیرنف برای بررسی همسانی توزیع متغیرهای مطالعه‌شده با توزیع نظری نرمال استفاده شد. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که مقدار احتمال بیشتر از ۰/۰۵ است و فرض نرمالیتی رد نمی‌شود؛ بنابراین برای مقایسهٔ انتظارات فرزندان از والدین برحسب جنسیت و مقطع تحصیلی آن‌ها از آزمون تی استفاده شد.

جدول ۴. مقایسهٔ انتظارات فرزندان از والدین برحسب جنسیت و مقطع تحصیلی آن‌ها

متغیر	انتظارات پاسخ‌گویان از والدین	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	درجهٔ آزادی	مقدار احتمال
جنسیت	دختر	۲۹۰	۵۸/۳۴	۱۴/۰۵	ـ۲/۱	۵۷۸	۰/۰۲۳
	پسر	۲۹۰	۶۳/۴۴	۱۷/۶۴			
مقطع تحصیلی	دورهٔ اول مقطع متوسطه (پایه‌های هفتم، هشتم و نهم)	۲۹۰	۶۰/۲۷	۱۲/۰۳	ـ۰/۷۰۷	۵۷۸	۰/۰۴۸
	دورهٔ دوم مقطع متوسطه (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم)	۲۹۰	۶۲/۰۹	۱۵/۴۷			

نتایج آزمون تی دربارهٔ مقایسهٔ میانگین‌های دو گروه مستقل نشان داد، بین انتظارات دانش‌آموزان دختر و پسر از والدینشان تفاوت معناداری وجود دارد و انتظارات دانش‌آموزان پسر از والدینشان بیشتر از دانش‌آموزان دختر است (p=۰/۰۲۳)؛ همچنین انتظارات فرزندان از والدین در دانش‌آموزان دورهٔ اول مقطع متوسطه (پایه‌های هفتم، هشتم و نهم) و دورهٔ دوم مقطع متوسطه (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم) تفاوت معناداری دارد؛ باتوجه به میانگین‌ها انتظارات فرزندان از والدین در دانش‌آموزان پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم بیشتر از پایه‌های هفتم، هشتم و نهم است (p=۰/۰۴۸).

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.231.0]

جدول ۵. نتایج آزمون کولموگروف‌اسمیرنف برای بررسی نرمال‌بودن داده‌ها

متغیرها		آماره	مقدار احتمال
ابعاد انتظارات فرزندان از والدین	فرهنگی	۱/۷۴۴	۰/۰۷۳
	اقتصادی	۱/۰۱۸	۰/۲۵۱
	سیاسی	۱/۴۹۸	۰/۰۶۲
	اجتماعی	۱/۶۰۳	۰/۰۶۷
احساس محرومیت		۲/۲۲۷	۰/۰۵۳

نتایج آزمون کولموگروف‌اسمیرنف برای بررسی نرمالیتی نشان می‌دهد که مقدار احتمال بیشتر از ۰/۰۵ است و فرض نرمالیتی داده‌ها رد نمی‌شود؛ بنابراین برای بررسی همبستگی بین احساس محرومیت نسبی و میزان انتظارات فرزندان از والدین از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۶. همبستگی پیرسون بین احساس محرومیت نسبی و میزان انتظارات فرزندان از والدین

احساس محرومیت نسبی	ابعاد انتظارات فرزندان از والدین				انتظارات فرزندان از والدین
	فرهنگی	اقتصادی	سیاسی	اجتماعی	
همبستگی (r)	۰/۲۸۵-	۰/۳۲۱-	۰/۲۳۶-	۰/۱۵۴-	۰/۲۹۴-
مقدار احتمال	<۰/۰۰۱	۰/۰۱۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱

بررسی ضریب همبستگی احساس محرومیت نسبی در فرزندان و انتظارات آن‌ها از والدینشان، وجود رابطهٔ معنادار و معکوس را بین دو متغیر نشان داد (p<۰/۰۰۱، r=-۰/۲۹۴)؛ به این معنا که هرچه احساس محرومیت نسبی در نوجوانان بیشتر باشد، آن‌ها انتظارات کمتری از پدر و مادر خود دارند. رابطهٔ معنادار و معکوس بین میزان احساس محرومیت نسبی آن‌ها و هر چهار بُعد انتظارات فرزندان از والدین (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی) برقرار بود؛ ولی همبستگی معکوس بُعد اقتصادی بیشتر از سه بُعد دیگر به‌دست آمد.

۴ بحث

این پژوهش با هدف بررسی رابطهٔ احساس محرومیت نسبی نوجوانان استان خراسان جنوبی با انتظارات آن‌ها از والدینشان انجام شد. نتایج نشان داد، میانگین نمرهٔ انتظارات فرزندان از والدینشان ۴۷/۳۰±۱۲/۵۶ است. در پژوهش حاضر، انتظارات نوجوانان از والدین در بُعد اقتصادی بیشتر و در بُعد سیاسی کمتر از سایر ابعاد بود. نتیجهٔ به‌دست‌آمده را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که تغییرات اجتماعی ناشی‌از مدرن‌شدن، نوع انتظارات فرزندان را در خانواده از والدین دچار تغییر و تحول کرده است.

دنیای جدید، افزایش سطح آگاهی‌های اجتماعی و سواد عمومی و تحصیلات را در پی داشته است و به‌موازات آن سطح توقعات و انتظارات فرزندان از والدین نیز به‌مراتب بیشتر و متفاوت‌تر از گذشته شده است. از طرف دیگر در عصر مدرنیته تمایزات و تفاوت‌های فرهنگی‌ـ‌اجتماعی گروه‌های اجتماعی و نیز آحاد جامعه بیشتر و همانندی‌های گذشته کم‌رنگ‌تر شده است؛ ازاین‌رو نوع انتظارات فرزندان نیز متحول شده است. این دگرگونی ازطرفی بحران روابط اعضای خانواده و کارایی کمتر تجربیات والدین و بزرگ‌ترها را به‌دنبال داشته است (۲). تحولات رخ‌داده در دههٔ اخیر نشان می‌دهد، نوجوانان در جریان وسیع اطلاعات قرار گرفته‌اند و اطلاعات آنان در دنیای پیشرفتهٔ در حال تغییر موجب پیدایش پی‌درپی ارزش‌های نو شده است؛ تاآنجاکه با نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید آشنا شده‌اند و به همان میزان سطح انتظارات و توقعات آنان افزایش یافته است. درواقع نسل جدید، چندان خود را در چارچوب هنجارهای گذشتگان تعریف نمی‌کند و به‌دنبال الگوهای جدید زندگی برای خود است؛ همچنین انتظارات آن‌ها از والدینشان با نسل‌های قبلی متفاوت‌تر شده است (۷).

براساس یافته‌های تحقیق حاضر، میانگین نمرهٔ احساس محرومیت نسبی در بین نوجوانان استان خراسان جنوبی۱/۷۰±۱۷/۲۴ به‌دست آمد. این یافته با نتایج تحقیق برومند و ظریفی دربارهٔ بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مرتبط با میزان رضایت شغلی دبیران آموزش‌وپرورش شهرستان بستان‌آباد همسوست؛ در پژوهش آن‌ها آن درک و تصور پاسخ‌گویان از احساس محرومیت نسبی، در حد متوسط رو به بیشتر قرار داشت (۱۱). همچنین یافتهٔ حاضر با پژوهش قدیمی و قاسمی همسوست که طی آن درک و تصور پاسخ‌گویان از احساس محرومیت نسبی، در حد متوسط رو به بیشتر قرار داشت (۱۰)؛ ولی با نتایج پژوهش ربانی خوراسگانی و همکاران مطابقت ندارد. براساس یافته‌های پژوهش آن‌ها، دانشجویان دانشگاه اصفهان از محرومیت نسبی کمی برخوردار بودند (۶). در تبیین باید گفت، باتوجه به محروم‌بودن استان خراسان جنوبی درمقایسه با سایر استان‌ها، احساس بی‌عدالتی و محرومیت نسبی در آن نیز زیاد است و با نظریهٔ تدگر همسوست؛ طبق آن هرچه ارزش‌های اقتصادی و مادی در جامعه‌ای بیشتر باشد احساس محرومیت نسبی بیشتر می‌شود (۶).

همچنین نتایج تحقیق حاضر نشان داد، بین متغیرهای احساس محرومیت نسبی در فرزندان و انتظارات آن‌ها از والدین رابطهٔ معنادار و معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه احساس محرومیت به‌صورت نسبی

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.231.0]

در نوجوانان بیشتر باشد، آن‌ها انتظارات کمتری از پدر و مادر خود دارند. این یافته از پژوهش با تحقیق رستگار خالد و همکاران مبنی‌بر ارتباط احساس محرومیت نسبی با همبستگی اجتماعی بین جوانان شهر تهران همخوانی دارد (۱۲). تبیین آن به این صورت است که محرومیت نسبی می‌تواند به‌عنوان عاملی کلیدی در ایجاد و شکل‌دهی رفتارهای جمعی در میان نوجوانان مؤثر باشد (۱۲). در استان خراسان جنوبی به‌دلیل بهره‌مندی کمتر این استان از انواع امکانات رفاهی، آموزشی، تفریحی و... احساس محرومیت نسبی نوجوانان این استان بیشتر است و همین امر موجب کاهش انتظارات آن‌ها از والدینشان شده است. فراهم‌کردن مزایای برابر برای اموری که وضعیتی یکسان دارند، ممکن است احساس محرومیت نسبی را کاهش دهد و به متعادل‌کردن انتظارات نوجوانان از والدینشان کمک کند (۲). براساس پیش‌فرض‌ها، انتظارات فرزندان در گذشته انطباق بیشتری با اهداف سنتی نهاد خانواده داشته است؛ ازاین‌رو خانواده به‌سبب تأمین انتظارات طرفین، بیشتر موفق بوده است و عوارضی همچون آسیب‌دیدن روابط فرزندان با والدین کمتر بوده است؛ ولی در نسل جدید به‌سبب افزایش فردگرایی و دنبال‌کردن آرزوهای شخصی هریک از فرزندان خانواده، انتظارات شکل خاصی به خود گرفته است (۸).

این پژوهش در بین دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم مقطع متوسطهٔ استان خراسان جنوبی انجام شده است و در تعمیم یافته‌های پژوهش به دانش‌آموزان سایر استان‌های کشور و سایر مقاطع تحصیلی باید احتیاط کرد. همچنین در این پژوهش صرفاً از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه استفاده شد و از روش‌های کیفی بهره گرفته نشده است.

باتوجه به اینکه رابطهٔ بین احساس محرومیت نسبی در فرزندان و انتظارات فرزندان از والدین معنادار است، باید راهکارهای مناسبی برای کاهش احساس محرومیت نسبی پیدا کرد تا انتظارات فرزندان از والدین منطقی شود. برگزاری بیش از پیش کارگاه‌ها و جلسات آموزش مهارت‌های زندگی به تمامی دانش‌آموزان، به‌خصوص دانش‌آموزان پایه‌های هفتم، هشتم و نهم (جامعهٔ هدف پژوهش حاضر) به‌منظور کسب هرچه بیشتر این مهارت‌ها در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد. پیشنهاد می‌شود از والدین دانش‌آموزان برای شرکت در دوره‌های آموزشی خانواده دعوت شود و نقش ویژهٔ آنان برای دانش‌آموزان بیان شود. برگزاری کارگاه‌ها و تبیین و ارتقای سبک‌های فرزندپروری توسط ادارهٔ آموزش‌وپرورش در مدارس شهرستان برای والدین و به‌خصوص مادران دانش‌آموزان و توجیه آنان از دیگر پیشنهادهای پژوهش است.

۵ نتیجه‌گیری

بین احساس محرومیت نسبی نوجوانان استان خراسان جنوبی و انتظارات آن‌ها از والدین رابطهٔ معکوس وجود دارد. بهبود شیوهٔ معیشتی و کاستن از احساس محرومیت نسبی ازطریق توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی در این استان می‌تواند بر متعادل‌کردن انتظارات نوجوانان اثر مثبت داشته باشد؛ همچنین محرومیت نسبی می‌تواند به‌عنوان عاملی کلیدی در ایجاد و شکل‌دهی رفتارهای جمعی در میان نوجوانان مؤثر باشد.

۶ تشکروقدردانی

از نوجوانان یاری‌کننده در انجام این پژوهش سپاسگزاری می‌شود.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیهٔ اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله بخشی از رسالهٔ مقطع دکتری تخصصی رشتهٔ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر انتظارات فرزندان از والدین (موردمطالعه: نوجوانان استان خراسان جنوبی)» با کد دفاع ۱۸۳۴۸۵۱۲۹۶۳۲۵۴۰۱۶۲۲۷۶۹۵۴ دانشکدهٔ علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد دهاقان است. در انجام پژوهش سعی شد ملاحظات اخلاقی لازم ازقبیل محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات، کسب رضایت آگاهانه و نبود تحمیل هرگونه آسیب جسمی و روحی به نوجوانان رعایت شود.

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

دردسترس‌بودن داده‌ها و مواد

داده‌ها و مواد پژوهش ازقبیل مبانی نظری و پرسشنامه‌ها در اختیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان قرار دارد.

تزاحم منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافعی ندارند.

منابع مالی

در تهیه و تدوین این پژوهش از مساعدت مالی هیچ نهاد و سازمانی استفاده نشده است.

مشارکت نویسندگان

تدوین رسالهٔ دکتری و استخراج این مقاله از آن به عهدهٔ علی‌رضا عابدین‌زاده (دانشجو) و نظارت بر فرایند کار و راهنمایی و مشاوره بر عهدهٔ اساتید اصغر محمدی (استاد راهنما) و اسماعیل جهانبخش (استاد مشاور) بود. همهٔ نویسندگان نسخهٔ دست‌نوشتهٔ نهایی را خواندند و تأیید کردند.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.231.0]

References

1. Mohammadi A, Sadeghi Z. Investigating the effect of children's dominance on family relationships and kinship relashionships. Women and Family Studies. 2009;2(5):131–53. [Persian] http://jwsf.iaut.ac.ir/article_519704_cac599f22b6c640a629fdafb3e7abd5e.pdf?lang=en
2. Hekmatnia M, Bahadori Jahromi S. Investigating the theory of role separation in the family .Journal of Social Science Studies.2016;2(4):28–36. [Persian] http://uctjournals.com/farsi/archive/socials/1395/winter/4.pdf
3. Ahadi S, Hejazi M, Entesar Foumany G. The relationship between parenting styles and adolescent's identity and aggression. Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences. 2014;4(S3):1171–8.
4. Jalali R, Oloumi F. The feelings of relative deprivation effects on the tendency of some western residents to ISIS. Strategic Studies Quarterly. 2020;23(87):33–60. [Persian] http://quarterly.risstudies.org/m/article_110720_30dea05f5c0ef64c19ff474d5432806a.pdf?lang=en
5. Robert Gurr T. Why Do Humans Rebel? Morshedizad A (Persian translator). Tehran: Research Institute for Strategic Studies; 1998. p. 2 [Persian]
6. Rabbani Khorasghani A, Rabbani R, Hassani M. Relation between relative deprivation and attitude toward national identity (case sampling: students of Isfahan university). Journal of Applied Sociology. 2011;22(2):67–94. [Persian] https://jas.ui.ac.ir/article_18225_62766e2686d180919f17bf09465ca45b.pdf?lang=en
7. Danesh P, Zakeri Nasrabadi Z, Abdellahi AS. Sociological analysis of the generation gap in Iran. Sociological Cultural Studies. 2014;5(3):1–30. [Persian] http://socialstudy.ihcs.ac.ir/article_1701_b404d037fdd18a5cd7ac97753af292fa.pdf?lang=en
8. Naseri S, Saroukhani B, Vahida F, Behyan S. The investigation of sociological families and filo centric typology acase study in Tehran. Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development). 2016;10(4):7–32. [Persian] doi: 10.22055/qjsd.2016.12375
9. Hosseini Amin SN, Seyed Mirzaie SM, Adrisi A. Socio-economic factors affecting the quality of life of Tehranian citizens. Social Welfare Quarterly. 2017;17(66):223–54. [Persian] http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3028-en.pdf
10. Ghadimi M, Ghasemi H. The effect of feeling a sense of relative deprivation and social alienation on social security feeling (The university of Zanjan). Danesh Entezami Zanjan. 2012;1391(4):1–29. [Persian] http://zanjan.jrl.police.ir/article_15484_712af36d9a9ff4c97cd7397e7976b46f.pdf
11. Bromand M, Faridi Sani M. Examination of economic and social factors related to teachers' job satisfaction in Bostanabad. Sociological studies. 2015;7(25):77–93. [Persian] http://jss.iaut.ac.ir/article_524063_6f38a731439f3135e806af7f768a9750.pdf?lang=en
12. Rastegarkhaled A, Mohammadi M, Esmaeelbeigi M. Relation between feeling relative deprivation with social consensus in Tehran. Quarterly of Social Studies and Research in Iran. 2014;3(3):473–95. [Persian] 10.22059/jisr.2014.53152
13. Iran Statistics Center. General population and housing census [Internet]. 2016; Available from: https://nnt.sci.org.ir/sites/nnt/SitePages/report95/General/population_report.aspx
14. Krejcie RV, Morgan DW. Determining sample size for research activities. Educational and Psychological Measurement. 1970;30(3):607–10. doi: 10.1177/001316447003000308

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.231.0]